

پیام سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران به مناسبت

آغاز سال تحصیلی ۱۳۶۵-۱۳۶۴

و امپریالیسم آزاد کرد.

سال تحصیلی ۶۵-۶۴ در شرایطی آغاز می شود که رهبران جمهوری اسلامی، کشور ما را پیش از پیش به سوی وابستگی به انحصارات امپریالیستی، همکاری با کشورهای ارتجاعی و وابسته در منطقه و در سمت تحقق اهداف کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان پیش می برند. سران رژیم با خیانت به آرمانهای ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷، با سرعت در راه ناپودی دستاوردهای آن پیش می تازند. هر اثر سیاست ضد مردمی آنان، آزادیهای دموکراتیک بطور کلی پایمال شده و حقوق فردی و اجتماعی توده های مردم مورد تجاوز قرار گرفته است. از فعالیت سازمانهای سیاسی و صنفی- و در این چارچوب بقیه در ص ۴

دانش آموزان و دانشجویان عزیز!
سال تحصیلی جدید فرامی رسد و شما برای کسب دانش و با هدف خدمت به مردم و میهن خود راهی دبیرستانها و دانشگاهها می شوید. پیش از هر چیز دروهای کرم سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران را به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید بپذیرید. ما از روندیم که این سال تحصیلی برای همه شما فرزندان کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان و نیروهای دموکراتیک، سالی پر بار و توأم با موفقیت باشد. کشور ما به نیروی دانش و تحصیل شما برای ساختمان جامعه ای آباد، پیشرفته و مرفه نیاز فراوان دارد، بویژه آنگاه که با هیئاری همه مردم، از جمله جوانان و نوجوانان، از قید سلطه ارتجاع



دوره هشتم سال دوم شماره ۶۷
پنجشنبه ۲۱ شهریور ۱۳۶۴
بها ۲۰ ریال

شادباش حزب متحد کارگری لهستان به حزب توده ایران

حزب شما ستایش نیروهای ترقی خواه جهان را برانگیخته است

جهانی ضد امپریالیستی جای ویژه ای برای خویش یافته است.

کمونیست ها و زحمتکشان لهستان همواره از مبارزه شما با امپریالیسم و ارتجاع و در راه ترقی و عدالت اجتماعی پشتیبانی خواهند کرد. رفقای عزیز، در این روز خجسته، صمیمانه ترین دروهای ما را بپذیرید.

کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان

رفقای ارجمند،
بمناسبت شصت و پنجمین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست ایران دروهای برادرانه و شادباش های صمیمانه ما را بپذیرید.
حزب شما با پیکار خود در راه آزادی ملی، پیشرفت و عدالت اجتماعی ستایش نیروهای ترقی خواه سراسر جهان را برانگیخته است.
حزب شما با تکیه بر اصول مارکسیسم - لنینیسم و مہستیکی انترناسیونالیستی در چپه

خامنه ای و برخی از دیدگاههای ضد مردمی او

علیه خلقها، پشتیبانی همه جانبه از منافع غارتگران اجتماعی و دشمنان طبقاتی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان شهر و روستا، پافشاری در ادامه جنگ ضد مردمی و اجرای سیاست توسعه طلبانه رژیم، تحدید هرچه بیشتر آزادیها و تلاش برای سرکوب نیروهای انقلابی بویژه کمونیستها، فعالیت بسیار کرد و تلاش وی در محورهای یاد شده کماکان ادامه خواهد داشت.

حال با توجه به مصاحبه طولانی تبلیغاتی خامنه ای با "اطلاعات" یکم و دوم و سوم مرداد بقیه در ص ۶

فاز نهائی بازی انتخاباتی نیز تمام شد و همانگونه که انتظار می رفت این بار هم خامنه ای سر از صندوق آراء بیرون آورد.
امروزه بویژه زحمتکشان کشور مواضع ضد مردمی خامنه ای را به مثابه ماهنگه کننده قوای سه گانه به خوبی می شناسند. بطور کلی وی در دوران ریاست جمهوری قبلی خود عملاً در جهت تشدید وابستگی به انحصارات امپریالیستی و بویژه نشان دادن چراغ سبز به آمریکا، همکاری وسیع و مستمر با حکومتهای ارتجاعی بویژه پاکستان و ترکیه برای تجدید پیمانهای اسارتبار

رژیم "ولایت فقیه" در جستجوی "هم پیمانان" جدید

واقعات، نادرستی این ارزیابی را آشکار می کند. زیرا آن سیاست خارجی را باید موفق خواند که حافظ و تقویت کننده استقلال سیاسی و اقتصادی کشور باشد، به گسترش صلح و دوستی بین ملل کشورهای همسایه منطقه و جهان باری رساند و پشتیبان جنبش های راهی بخش ملی و کشورهای مترقی در نبرد علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم جنایتکار آمریکا باشد.

اما سیاست خارجی رژیم مانند سیاست داخلی آن در سال های اخیر، یک سیاست ارتجاعی، ماجراجویانه و ضد خلقی است. مناسبات رژیم بقیه در ص ۲

در سمینار سفرا و کارداران جمهوری اسلامی در کشورهای اروپایی و امریکایی که اخیراً در تهران گشایش یافت، رئیس جمهوری طی سخنانی دیپلماتی رژیم را در ۴ سال گذشته "موفقیت آمیز" ارزیابی کرد و اهداف آتی سیاست خارجی رژیم را مطرح ساخت. او از جمله گفت:

"در چند سال گذشته، نتیجه توفیق در سیاست خارجی این شد که نظام جمهوری اسلامی از نظر دولت ها و سیاست های جهانی جا افتاده و این علیرغم فعالیت های مخالفان و گروهکها است" (روزنامه جمهوری اسلامی اول مرداد ۶۴).

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران آغاز ششمین سال جنگ میان ایران و عراق، یک مصیبت پایان ناپذیر

۲۱ شهریور ۱۳۶۴ پنج سال از جنگ ایران و عراق می گذرد. ششمین سال جنگ در حالی آغاز می شود، که حتی اثری از پایان این مصیبت بزرگ در افق دیده نمی شود. جنگ را بی شک عراق در چارچوب یک توطئه امپریالیستی بر ضد انقلاب بهمن ۱۳۵۷ آغاز کرد. در این جهت رژیم عراق را باید بی چون و چرا مهاجم خواند و محکوم کرد. ولی در همان حال باید در نظر داشت، که سران رژیم اسلامی، در ایجاد بهانه برای این تهاجم بی تقصیر نبودند. سیاست سبک مغزانه "صدور انقلاب" که از اصول مورد اعتقاد آنها بود، و عراق نخستین آزمایشگاه آن بشمار می رفت، به دیکتاتور عراق فرصت داد. تا قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، را که به همه منازعات بین طرفین پایان داده بود، نقض کند و به امید تحقق بخشیدن به رویای کاذب خود، سرزمین ما را مورد تهاجم قرار دهد. مردم قهرمان، در برابر این حمله غافلگیرانه مقاومت کردند و در یک مبارزه مسلحانه دشوار مهاجمین را از سرزمین خود بیرون راندند. فتح خرمشهر و پاک کردن سرزمین ایران از اشغال نیروهای عراقی، آغاز دوره جدیدی در این جنگ بود. رژیم خمینی وظیفه داشت، با استفاده از فرصت مناسبی که بوجود آمده بود، برای پایان دادن به جنگ، گرفتن غرامت از مهاجم، و بنیان نهادن یک صلح پایدار بین دو کشور همسایه بر اساس رعایت حقوق و منافع متقابل اقدام کند. ولی خمینی و همدستان او که هنوز در نشئه صدور انقلاب و تسلط بر کشورهای مسلمان همسایه بودند، از پایان دادن به جنگ خودداری کردند و به ماجرای هلاکتباری که دو کشور همسایه را به خاک و خون کشیده است ادامه دادند.

در این دوره، مسئول ادامه جنگ خمینی و بقیه در ص ۲

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

بقیه از ص ۱

هندستان او هستند. آنها هستند که با سوء استفاده از احساسات مذهبی مردم، با معرفی جنگ بعنوان "رحمت الهی"، "وظیفه شرعی"، راه وصول به بهشت، وسیله منهدم کردن صهیونیسم و اعاده حقوق حقه خلق فلسطین... به جنگ ادامه داده‌اند. تلفات این جنگ بیشمار و خسارات آن بی حساب است. بخش بزرگی از آبادترین و غنی‌ترین نقاط کشور مادر آتش سوخته است. میلیونها آواره جنگی، مصائب جنگ را به سرتاسر کشور ما انتقال داده‌اند. ولی تبهکارانی که زمام جمهوری اسلامی را بدست دارند، هنوز فریاد "جنگ، جنگ تا پیروزی" سر می‌دهند و هنوز عزم خود را به ادامه جنگ اعلام می‌کنند. این جنگ، جنگی است که برنده و بازنده احتمالی آن، هر دو بازنده هستند. برنده این جنگ فقط نیروهای تجاوزگر امپریالیستی هستند، که از این ماجرا برای مقاصد سودجویانه خود استفاده می‌کنند. جنگ ایران و عراق، نه تنها زمینه ایست برای صدور اسلحه به هر دو طرف، بلکه در همانحال اهرمی است برای افشاندن بذر نفاق و خصومت میان کشورهای منطقه، تحکیم مواضع امپریالیستی، و کمک به نقشه‌های تجاوزکارانه اسرائیل. خمینی و هندستان او، با ادامه جنگ، علا به ابزار سیاست های امپریالیستی، و در درجه اول امپریالیسم آمریکا مبدل شده‌اند. بی دلیل نیست که اسرائیل و آمریکا، علیرغم تمام باصطلاح اقدامات ضد امپریالیستی خمینی و شرکا، به او اسلحه می‌فروشند. "قاچاق" اسلحه از آمریکا به ایران، که در آن مقامات رسمی پنتاگون مستقیم و غیرمستقیم شرکت دارند، امری است که مورد تایید محافل آمریکایی است. در سالهای اخیر، صدها کشتی حامل اسلحه، از آمریکا به ایران اعزام شده‌اند. فرق این نوع فروش با فروش رسمی این است، که فروشنده قاچاق پهای اجناس را چند برابر وصول می‌کند.

حزب توده ایران سیاست تبهکارانه رژیم خمینی را مبنی بر ادامه جنگ قویا محکوم می‌کند و خواستار اعلام آتش بس فوری در سراسر چپه‌ها، آغاز مذاکرات مستقیم میان طرفین، و حل مسایل متنازع بر اساس حاکمیت ملی و حقوق و منافع متقابل دو کشور است. به اعتقاد ما، اینکار می‌بایست و می‌توانست مدتها پیش انجام شود. مقرر ادامه این جنایت، در این مرحله، بطور اساسی سران جمهوری خمینی هستند. ولی بقول معروف، جلوی ضرر را از هر کجا بگیرند نفع است. هر روز که این جنگ بیشتر دوام یابد، برگهای تازه‌ای بر دفتر جنایات خمینی و هندستان او اضافه خواهد شد.

وظیفه مردم ایران آنست که برای افشای ماهیت جنگی که گروهی تبهکار خونخوار بر او تحمیل کرده‌اند بپاخیزند، و با اقدام متحد خود، جنگ‌افروزان را از ادامه جنایات خود بازدارند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

رژیم "ولایت فقیه" در جستجوی...

بقیه از ص ۱

جمهوری اسلامی با همسایگان ایران گواه این واقعیت است. جنگ ایران و عراق به حساب زندگی و ثروت ملی خلق های هردو کشور کماکان ادامه دارد. رژیم ج.ا. در سال های اخیر به میانجی‌گری کلیه کشورها، مجامع بین المللی و منطقه ای برای پایان دادن به جنگ پاسخ منفی داده است. رژیم ج.ا. در جنگ اعلام نشده علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان، علاوه بر ماهنگی کامل با سیاست مرتجع‌ترین محافل امپریالیستی و بویژه امپریالیسم جنایتکار آمریکا گام برداشته است. رژیم "ولایت فقیه" از هر موقعیتی برای ایراد تهمت و افترا به خانواده کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی بهره گرفته است. تحریکات و مداخلات سیاسی رژیم، در امور داخلی و دیگر کشورها همچنان ادامه دارد. رژیم ج.ا. در همسایگی ایران، تنها با دولت های ترکیه و پاکستان - دولت های سرسپرده امپریالیسم آمریکا - گرم‌ترین مناسبات اقتصادی و سیاسی را برقرار ساخته است...

سیاست خارجی رژیم نه فقط در جهت تقویت مبانی استقلال اقتصادی و سیاسی کشور سیر نمی‌کند بلکه در مابین آشکار با آن است. پس از اتخاذ سیاست گرایش بسوی امپریالیسم، مناسبات اقتصادی و سیاسی با دول امپریالیستی بیش از پیش گسترش یافته است. هم اکنون انحصارات امپریالیستی آلمان غربی، ژاپن و انگلستان عمده‌ترین طرف های تجارتي ایران بشمار می‌روند.

اگرچه رژیم هنوز قادر نیست برقراری روابط سیاسی با دولت آبرو باخته آمریکا را رسماً اعلام کند ولی روابط اقتصادی ایران با آمریکا چه بطور مستقیم و چه از طریق کشورهای ترکیه و پاکستان روبه گسترش است.

چندی پیش رئیس مجلس شورای اسلامی در توکیو به مقامات ژاپنی گفت:

" شما می‌توانید خلاه‌هایی را که در اثر رفتن غربی‌ها بوجود آمده پر کنید... هیأتی که اکنون

قانون "از کجا آورده‌ای" رژیم گذشته و اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی

در هفته‌های اخیر ترجیع‌بند کلیشه‌ای " اصل ۴۹ قانون اساسی اجرا می‌شود"، صفحات اکثر روزنامه‌های مجاز را بخود اختصاص داده است.

روزنامه اطلاعات ۹ مرداد ۶۴ می‌نویسد: در نخستین جلسه فوق العاده دومین دوره شورایی عالی قضائی " کلیه وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی موظف به تشکیل پرونده تنظیم گزارش در مورد اصل ۴۹ قانون اساسی شدند".

رژیم ج.ا. که یاور سرمایه‌داران بازار، مقاطعه‌کاران بانفوذ، دولتمردان نوکیسه و زمینداران بزرگ است، ملاطفت و کرنش خود در برابر غارتگران را با خشونت و اعمال زور نسبت به کارمندان جزء چبران می‌کند.

سخن گویان رژیم می‌خواهند مشکلات عظیم اجتماعی را به گردن کارمندان دولت بپاندازند.

پیش شاست هر تصمیمی که بگیرد در ایران پشتوانه خواهد داشت. پیشنهاد می‌کنم از این فرصت استفاده شود" کیهان ۲ مرداد ۶۴.

"پشتوانه" ای که رئیس مجلس از آن نام می‌برد، رژیم "ولایت فقیه" و دستگاه‌های سرکوبگر آن است، وگرنه توده‌های مردم در جریان انقلاب بهمن ۵۷ به صراحت خواست خود را برای برچیدن سلطه انحصارات امپریالیستی بر سیاست و اقتصاد کشور، بیان کردند و همچنان برای حفظ استقلال کشور مبارزه می‌کنند.

سیاست خارجی رژیم ج.ا. ماجراجویانه است، زیرا با تحریک علیه کشورهای همسایه و ادامه جنگ با عراق، صلح و امنیت منطقه را به مخاطره می‌افکند. کوشش رژیم برای احیای پیمان نظامی با شرکت ترکیه و پاکستان، دو پایگاه نظامی امپریالیسم آمریکا علیه نهضت های رهاشی بخش در منطقه، زیر پوشش "اکو" (آر-سی - دی) اقدامی خطرناک در خلاف جهت مصالح مردم ایران و منطقه، امنیت جمعی آسیا و صلح جهانی است.

رئیس جمهور در سخنرانی‌اش گفته:

" جمهوری اسلامی ایران در مرحله دوم سیاست خارجی خود باید در پی دوستان و هم پیمانان جدید باشد. ما باید در پی آن باشیم که در دنیادنیال مجموعه‌هایی برگردیم. ما باید با حفظ ارزش های اسلامی به دنبال روابط و هم پیمانان جدید برای کشورمان باشیم".

رژیم جمهوری اسلامی که در سال های اخیر با شتاب سیاست گرایش به سوی امپریالیسم را دنبال می‌کند، در جستجوی کدام " هم پیمان" و " مجموعه‌ها" است؟ نمی‌توان تردید داشت که رژیم "ولایت فقیه" برای ایجاد روابط با دولت‌های ارتجاعی که گوش به فرمان و وابسته به امپریالیسم آمریکا هستند، و برپایی پیمان های جمعی زمینه چینی می‌کند.

همه نیروهای ملی و دموکراتیک وظیفه دارند که تدارکات رژیم را برای کشاندن بهش از پیش کشور، به زنجیر وابستگی به امپریالیسم افشاء کنند.

اصل ۴۹ قانون اساسی که بایستی حلقوم دزدان و چپاول گران رژیم گذشته و دست اندرکاران اصلی رژیم فعلی را بشمارد عاقبت محل اجرای خود را در ادارات دولتی بدست آورد.

انسان بی اختیار بیاد کمدی " قانون از کجا آورده‌ای" رژیم سلطنتی و تکرار آن وسیله ملایان حاکم می‌افتد. دکتر اقبال مزدور معروف و مهر و نشان دار امپریالیسم در کسوت نخست وزیر در مجلس شورای وقت " قرآنی" از جیب خود بیرون آورد و سوگند خورد که حتی یک متر زمین در این مملکت در مالکیت خود ندارد، این در حالی بود که در مقام مدیرعاملی شرکت نفت میلیاردها ثروت میهن ما را از طریق شرکت‌های امپریالیستی به تاراج داد و یا بچیب شاه و

بقیه در ص ۵

در حاشیه رویدادها

"گروه گرامی در سپاه قدمن است"

اخیراً تحت عنوان "سنجش میزان اطلاعات عقیدتی - سیاسی اعضاء سپاه پاسداران" - سین - هم "می شوند و رژیم در صدد است تا افراد تازه نفسی را که "صدرصد به احکام اسلامی مقید باشند" به خدمت خود بگیرد. واقعیت این است که علیرغم تهدیدات سال گذشته خمینی، مانع اختلافات در سپاه - که ریشه سیاسی دارد - در حال وسعت یافتن و متناسب با آن موج تصفیه پاسداران و تفتیش عقاید رو به افزایش است. محلاتی نماینده خمینی در سپاه، خطاب به یک جمع "چهار هزار نفری فرمانده های رده های مقاومت بسیج سپاه پاسداران منطقه و کشوری" در مشهد، ضمن تهدید کسانی که "نغمه صلح سر داده اند" گفت: "من به عنوان نماینده امام به همه برادران به عنوان تکلیف شرعی و الهی اعلام می کنم برای این که از کارهای اصلی بازمانید حق موضع گیری سیاسی در شهرها را ندارید." وی همچنین تأکید کرد که "گروه گرامی در سپاه و بسیج قدمن است. و از گروهها هم تقاضا می کنم که دست از سر سپاه بردارند، والا ناچار می شوم که یک روز این مسئله را اعلام کنیم" (اطلاعات "۱۲ مرداد). منظور محلاتی از "گروهها" جریانهای در درون ج.ا. است که بر سر قدرت با یکدیگر در حال مبارزه هستند.

لایحه منع بازداشت بستگان و منسوبین

دستگیری نزدیکان و خویشاوندان نیروهای انقلابی تحت پیگرد و مورد شکنجه و آزار قراردادن آنان در ج.ا. یک پدیده عادی است. تا کنون نمونه های بسیاری دیده شده است که شکنجه گران چند نفر از اعضاء یک خانواده را به گروگان گرفته اند تا بتوانند شخص مورد نظر خود را شکار کنند. هم اکنون تعداد زیادی از کودکان، زنهای جوان، پیرمردها و پیرزنان بی گناه به عنوان گروگان در زندانهای ج.ا. به سر می برند.

در دیداری که اعضاء کمیسیون قضایی مجلس با منتظری داشته اند سخن از تصویب لوایحی رفت که از جمله در آنها "بازداشت بستگان یا منسوبین یک متهم" منع شده است (اطلاعات ۲۰ تیرماه ۶۴).

باید دانست که تصویب چنین قوانینی فقط برای درست کردن ظاهر قضیه است، شکنجه گران "قانون" خودشان را اجرا می کنند و کاری به کار چنین قوانینی ندارند.

نه شرقی، فقط غربی

وزیر بازرگانی در مصاحبه با خبرگزاری ج.ا. درباره وضعیت بازرگانی خارجی کشور گفت: "هلوک غرب در سال ۶۲ بالغ بر ۷۰ درصد سهمیه تجارت بازرگانی خارجی ما را بخود

اختصاص داد که در سال ۶۲ به ۸۵٫۹۲ کاهش یافت. این میزان در چهار ماهه اول سال جاری نسبت به مدت مشابه سال گذشته بازم کاهش یافته و به ۶۲٫۷۰ رسیده است. سهم کشورهای هلوک شرق از ۸٫۳۵ درصد سال ۶۲ به ۸٫۹۹ درصد در سال ۶۲ رسیده که نسبت به چهار ماهه مشابه سال گذشته ۱۲٫۳۹ درصد افزایش یافته است. سهم کشورهای اسلامی از ۱۰٫۷۲ درصد در سال ۶۲ به ۱۲٫۷۷ درصد در سال ۶۲ رسید که این میزان در مقایسه با چهار ماهه سال گذشته ۱۶٫۷۷ درصد افزایش را نشان می دهد. همچنین آلمان فدرال در سال ۶۲ با صدور ۱۹/۵٪ کالا های حمل شده به ایران مقام اول را بدست آورد. ژاپن با ۱۴٫۲۲ درصد دوم، انگلیس با ۶٫۸۷ درصد سوم و ترکیه با ۶٫۵۲ درصد در رده چهارم بود. در سال ۶۲ این ترتیب بصورت زیر تغییر یافت: آلمان فدرال کماکان با ۱۵٫۶ درصد اول، ژاپن با ۱۲٫۴۲ درصد دوم، ترکیه با ۱۰٫۱۴ درصد سوم و انگلیس با ۵٫۹۲ درصد چهارم.

در چهار ماهه اول سال جاری ترتیب صادرکنندگان کالا به ایران عبارت بوده است از: ترکیه، ژاپن، آلمان، سوئد، سوئیس و انگلیس (اطلاعات، ۶٫۶٫۶۴).

اغلب "کشورهای اسلامی" طرف معامله ج.ا.، از آن جمله ترکیه که به تنهایی ۸۰ درصد سهم مربوط به این گروه از کشورهای جهان به آن اختصاص دارد، جزء جهان سرمایه داری هستند. از این رو می توان گفت که حدود ۹۰ درصد حجم واردات ایران از کشورهای سرمایه داری است و سهم واردات از کشورهای سوسیالیستی کمتر از ۱۰ درصد است. *

ناصر نبوی مسئول دفتر نمایندگی بازرگانی ج.ا. در آلمان فدرال، یکی از زمینه های سرکشی کردن کشور ما را از سوی کشورهای امپریالیستی افشاء کرد:

"رابطه کشورهای فروشنده کالا با ما یک رابطه عادلانه و متعارف نیست. بلکه یک رابطه ظالم و مظلوم است. در ابتدای کار پروفرمانی را برای ما فرستاده بودند تا در مورد صحت قیمتهای اعلام شده آن تحقیق کنیم، پس از پرس و جو معلوم شد قیمتی که کارخانه فروشنده اعلام کرده است، بیش از ۱۰۰ و ۲۰۰ درصد گران تر از قیمت معمولی است." (اطلاعات، ۲۲ مرداد ۶۴).

در شرایط کنونی در کنف حمایت سردمداران رژیم ج.ا. و همپای تحکیم هرچه بیشتر مواضع اقتصادی و سیاسی بورژوازی تجاری وابسته بازاریهای داخلی کشور، به زبان تولیدات داخلی، از کالاهای پنهل خارجی اشاع می شود. در این هنگامه، رحیمی نماینده دشتستان صدایش درمی آید که "مسئولین ناچارند تمام ارز کشور را بدهند و جنس وارد کنند و در آن صورت دیگر خبری از استقلال کشور نخواهد بود و وابستگی ما را روزبه روز افزایش خواهد داد" (اطلاعات، ۱۴ مرداد ۶۴).

آمار جرم دریکی از دموکراسی های غربی

در سال ۱۹۸۴، بیش از ۴ میلیون جرم در جمهوری

فدرال آلمان ثبت شده است. برپایه گزارش پلیس، در هر روز از این سال ۷ قتل، ۷۷ سرقت و ۱۷۴ حمله و برخورد با پیامدهای سخت و خطرناک روی داد.

در این کشور، بطور متوسط در هر ۶ ثانیه یک جرم به ثبت رسیده است. شایان بیان اینکه بیش از ۵۰ درصد مرتکبین این جرم ها ناشناخته مانده اند.

حق و حسابا دمی مجتمع های صنعتی - نظامی

مرکز بودجه و اولویت های سیاسی یک سازمان پژوهشی دولتی در آمریکا است، که اخیراً تحلیلی درباره تاثیرگذاری مجتمع های صنعتی - نظامی بر روند رویدادهای سیاسی در ایالات متحده منتشر ساخته است.

در این تحلیل از جمله آمده است: ۱۸ پیمانکار عمده نظامی که در پیاده کردن برنامه "جنگ ستارگان" ریگان و نیز در تولید موشک های بالستیک قاره پیما شرکت دارند، در دو سال گذشته، بیش از ۲/۵ میلیون دلار به اشکال گوناگون به سناتورها و نامزدهای انتخاباتی مجلس نمایندگان حق و حساب داده اند. برپایه این تحلیل، ۴۲۵ دموکرات، هریک حدود ۲۵ هزار دلار و ۴۰۹ جمهوری خواه، هریک در حدود یک میلیون دلار دریافت کرده اند.

کمک بیشتر برای ضد انقلاب

ریگان، رئیس جمهور آمریکا، یک لایحه بودجه فوق العاده را برای سال مالی ۱۹۸۵ به امضاء رساند. بر اساس این لایحه ۲۷ میلیون دلار به باندهای تروریستی داده می شود تا به یورشهای خونبار خود زیر سرپرستی "سیا" علیه خلق نیکاراکوه ادامه دهند.

شایان یادآوری است که اخیراً نیز ریگان لایحه دیگری را به امضاء رسانده بود که بموجب آن مبلغ مشابهی برای اجرای همان هدف در سال آینده، اختصاص می یابد. این کشاده دستی ها و پنل و بخشش، ها در برابر دشمنان خلق نیکاراکوه جز به منظور خرید جنگ افزار و مهمات و تجهیزات گوناگون برای تقویت گروه بندی های ضد ساندینیستی نیست. امضاء این لایحه جدید باردیگر تأییدگر این واقعیت است که تروریسم به سطح سیاست دولتی ایالات متحده، در چارچوب مناسبات بین المللی، ارتقاء یافته است.

آخرین رکورد هزینه نظامی ژاپن

پیش نویس بودجه دولتی سال ۱۹۸۶ ژاپن سوده های چند میلیونی را برای تولید کنندگان جنگ افزار تضمین می کند. در سال جاری، هزینه نظامی ۳۲۰۰ میلیارد ینی تصویب شده دولتی با ۷ درصد افزایش نسبت به سال پیش، آخرین رکورد هزینه نظامی ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم بشمار می رود.

بازار کتاب در بلغارستان

بلغارستان پیش از ۱۰۰۰۰ کتابخانه با ۹۸ میلیون جلد کتاب و ۴۰۰ میلیون خواننده (یعنی بیش از یک سوم جمعیت کشور) دارد.

پیام سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۱۳۶۵-۱۳۶۴

بقیه از ص ۱
مترقی دانش آموزی و دانشجویی اثری نیست. رژیم چنگ طلب که صلح عادلانه را به سود خود ندانند، همچنان در پی "گرم کردن تنور چنگ" است. این تنوری است که با گوشت و استخوان فرزندان زحمتکشان میهن ما "گرم" نگاه داشته می‌شود. در اثر این چنگ امپریالیسم و ارتجاع پرافروخته، علاوه بر زیانهای عظیم جانی و مالی، ویرانی دهها شهر و بالغ بر ۱۷۰۰ روستا و مراکز بزرگ صنعتی و تولیدی کشور، تاکنون از جمله دهها هزار دانش آموز و دانشجو کشته، مفلوکلان، معلول و یا دچار اختلالات شدید روانی شده‌اند. شما جای خالی تک تک آنان را در کنار نبود حس می‌کنید. این سرمایه‌های آینده کشور فدای نقشه‌های توسعه طلبانه رهران مرتجع جمهوری اسلامی شده‌اند. سیاست ارتجاعی و چنگ افروزان رژیم موجب شده تا از جمله سهم بودجه آموزش در مجموعه بودجه ما بیش از پیش کاهش یابد.

سال تحصیلی جدید در شرایطی آغاز می‌شود که دهها هزار نفر از جوانان انقلابی و مترقی، از جمله اعضاء و هواداران سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران در زندانهای رژیم به بند کشیده شده‌اند و زیر شکنجه به سر می‌برند. از این فرزندان مبارز خلق - که شمار چشمگیری از آنان دانشجو و دانش آموز هستند - تاکنون هزاران تن اعدام شده‌اند، صدها نفر زیر شکنجه جان سپرده‌اند و بقیه در فضای خفقان آور زندانها، لحظات دردناکی را می‌گذرانند.

در طی سالهای اخیر، برخورد ارتجاعی رژیم به امر آموزش موجب شد که امکانات تحصیلی برای فرزندان کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان شهری و روستایی هرچه محدودتر شود. فعالیت گسترده بخش خصوصی در زمینه تاسیس مدارس ملی، حیات آموزشی کشور را در جهت دو قطبی شدن هرچه بیشتر، با خطر جدی مواجه کرده است؛ دریک قطب فرزندان، طبقات مرفه از امکانات استثنایی برخوردارند و در قطب دیگر اکثریت دانش آموزان هر روز تحت مقیقه و فشار بیشتری قرار می‌گیرند. رژیم برای تامین کبود بودجه آموزشی به بهانه‌های گوناگون، دانش آموزان مدارس دولتی را مورد اخاذی قرار می‌دهد. بهای کتابهای درسی در مواردی تا چند برابر افزایش یافته‌است. پرداخت شهریه به دانش آموزان دوره شانه تحمیل شده است. تحت چنین شرایطی بخش مهمی از کودکان و نوجوانان میهن ما، بویژه در سطح روستاها، امکان راه یافتن به دبستان را ندارند. همچنین برپایه اعترافات مقامات و آمارهای رسمی بخش اعظم نوجوانان دبستانی به مدارس راهنمایی و دانش آموزان راهنمایی به دبیرستان راه نمی‌یابند. در طول این سالها هزاران نفر از دانش آموزان و دانشجویان به جرم دگراندیشی و دفاع از حقوق محرومان از ادامه تحصیل محروم شده‌اند و همچنین فقر تحمیل شده بر زحمتکشان

موجب ترک تحصیل بخش مهمی از فرزندان آنها می‌شود. اینها و صدها مسئله دیگر از مظاهر طبقاتی شدن امر آموزش در کشور ماست. کیفیت آموزش و پرورش به علت اخراج دهها هزار نفر از آموزگاران و دبیران با تجربه و کارشناسان علمی و فنی، همچنین کنج‌انیدن نظرات غیرعلمی، خرافی و قرون وسطایی سران رژیم در کتابهای آموزشی، آنچنان فضاقت پاشیده که دانش آموزان و اولیاء آنها از این امر خشمگین هستند. در عرصه آموزش و پرورش دختران از قربانیان اصلی سیاست رژیم هستند. تلاش سردمداران حکومت بر آن است که دختران دانش آموز و دانشجو را به بهانه‌های گوناگون از ادامه تحصیل بازدارند و یا آموزش آنها را به امور خانه‌داری و شوهرداری محدود کنند. همچنین آنها می‌کوشند تا دختران کم سن و سال را وادار به "ازدواج موقت" کنند. اعتیاد و فساد در محیط مدارس رواج یافته است. وضع بهداشتی مدارس اسفناک است. علاوه بر آن که دهها هزار روستایی کشور فاقد مدرسه‌اند، ساختن اغلب مدارس موجود نامناسب است. در سالهای اخیر بسیاری از اماکن تحصیلی به مالکان آنها پس داده شده و مشکلات زیادی برای دانش آموزان فراهم کرده است. امکانات ورزشی، هنری، کتابخانه، آزمایشگاه و گردش های علمی در مدارس دولتی نزدیک به صفر است و افراط در برگزاری آیین های مذهبی و افزودن ساعات دروس دینی، رشته‌های علمی و فنی را تحت الشعاع قرار داده است. بخش مهمی از دانش آموزان چندماهه از سال تحصیلی را بدون کتاب می‌گذرانند. در عرصه آموزش عالی تنها حدود ده درصد از داوطلبان می‌توانند به دانشگاهها و مدارس عالی راه یابند. نظام کنکور چند مرحله‌ای و تقلب‌پسند عقاید و در نظر گرفتن سهمیه دانشجویی به هیچ وجه پاسخگوی نیاز دانشجویان، بویژه دانشجویان شهرستانی نیست. پرداخت کمک هزینه تحصیلی به دانشجویان به موقع انجام نمی‌گیرد. علاوه بر اینها رژیم می‌کوشد تا در محیط خوابگاه ها مقررات خشک پادگانها و سربازخانه‌ها را پیاده کند و بدینسان دانشجویان را همواره تحت فشار و کنترل قرار می‌دهد.

در دوران انقلاب علمی و فنی در جهان معاصر، مراکز علمی و تحقیقاتی به یکی از عرصه‌های مهم نبرد برای پیشرفت اجتماعی و حفظ استقلال ملی تبدیل شده است. اما در کشور ما، این مراکز به ستیز با علم و دانش و ادبیات می‌پردازد. تاکنون بخشهایی از علوم و فنون مختلف و واقعیتهای علمی توسط اداره کنندگان این مراکز زیر علامت سؤال رفته و در این رابطه بخشی از دروس و مواد علمی از برنامه تدریس مدارس و دانشگاهها حذف شده است. این واقعیت، عمق خیانت رهران چ.ا. را به فرهنگ و آموزش کشور آشکارتر می‌سازد. برنامه‌های رژیم در عرصه‌های مختلف آموزشی، از دبستان و دبیرستان و

هنرستان گرفته تا دانشگاه و مدارس عالی، آنچنان با شکست روبرو شده و به بن‌بست رسیده که حتی برخی مقامات مسئول به آن اعتراف می‌کنند، اما علیرغم این واقعیت، آنها همچنان سیاست ضد مردمی خود را دنبال می‌کنند. دانش آموزان و دانشجویان عزیز!

امسال نیز مانند سال گذشته رژیم در صدد است تا برنامه‌های ارتجاعی خود را در همه زمینه‌ها عملی کند. دهها هزار نفر از نوجوانان را از ایشیت میز درس به چپه بکشاند و با صرف قسمت اعظم بودجه کشور برای امر چنگ، سیاست آموزشی خود را در چارچوبی که به آن اشاره شد، ادامه دهد. امسال نیز رژیم می‌کوشد تا به بهانه کمک به چپه و پشت چپه و شرکت مردم در امر آموزش و اجرای طرح های ارتجاعی، مثل طرح "قلک" شما را سرکوب کند. سال گذشته شما در برابر رژیم مقاومت نشان دادید، امسال نیز باید با پی‌گیری هرچه بیشتر برنامه‌های ارتجاعی رژیم را با شکست روبرو سازید. باید بدانید که فقط با بخشی از دهها میلیارد تومان بودجه چنگ و برنامه ریزی صحیح می‌توان بنیاد آموزش و پرورش را به نفع محرومان و زحمتکشان دگرگون ساخت. باید تلاش کنید تا علیرغم خواست رژیم هفته چنگ را به هفته صلح تبدیل کنید. هرگونه کمک به چپه و "پشت چپه" را تحریم کنید. باید هرچه زودتر، تا دیر نشده و جوانان و نوجوانان بیشتری جان بر سر چنگ ضد مردمی نپاخته‌اند، تا مادران و پدران بیشتری داغدار نشده‌اند و بخش بیشتر ثروت های ملی و نتایج دسترنج زحمتکشان پرهاد نرفته است، به این چنگ خانمان سوز خاتمه داد. مبارزه و مقاومت شما در این زمینه و افشای سیاست توسعه طلبانه رژیم نقش مهمی می‌تواند ایفا کند. باید به مبارزه وسعت دهید. باید خواست های صنفی خود را از جمله در زمینه استفاده از آموزش رایگان، دریافت کمک هزینه تحصیلی، تشکیل تعاونی های مصرف و شورای مستقل دانش آموزی و دانشجویی، ایجاد کتابخانه‌ها و دیگر کانونهای ورزشی و هنری و فرهنگی، همچنین حذف آیین های دست و پاگیر در محیط آموزشی توسعه دهید. باید در راه آزادی خواهران و برادران در بند خود که خطر مرگ آنها را تهدید می‌کند، از هیچ تلاشی فروگذار نکنید. باید با خانواده‌های زندانیان سیاسی همدردی کنید و با تمام توان خود به آنها یاری برسانید.

اعضاء و هواداران سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران با الهام از آرمانهای حزب توده ایران در راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح، همواره در صف اول جوانان مبارز و ترقی خواه قرار داشته‌اند. رژیم که با همه درنده خوبی و کینه چوبی به وحشیانه‌ترین شکلی سازمان ما را مورد یورش قرار داد و به دستگیری و شکنجه گروه بسیاری از اعضاء و هواداران آن پرداخت، نتوانست به هدف نهایی خود، یعنی نابودی و بی اعتبار کردن حزب

زن بلوچ به چشمه‌هایش سوزن می‌زند

بیماری های چشم مهلتا هستند.

یکی دیگر از زنان سوزن دوز بلوچ به نام مهتاب نوروزی می‌گوید: "درآمد ما کافی نیست. در گذشته همه چیز ارزان بود. اما حالا علاوه بر مایحتاج عمومی، وسائل سوزن دوزی نیز بسیار گران شده است. زن بلوچ به چشمه‌های سوزن می‌زند و حلب ۵ کیلویی روغن را ۵۰۰ تومان می‌خرد. پس اگر روغن می‌خواهد باید بیشتر سوزن بزند و بیشتر از بینایی چشم خود خرج کند. زن بلوچ اگر از دو دست بیشتر داشت وقت غذا خوردن هم، سوزن می‌زد. ما ساعت کار نداریم. برق نداریم، دکتر و درمانگاه نداریم، حمام نداریم، سوخت کافی نداریم. شبها اینجا خیلی سرد است. آب لوله‌کشی نداریم. بدبختی‌ها همیشه برای ماست...". آثار زیبای سوزن دوزی که چشمها را خیره می‌کند و تحسین همگان را برمی‌انگیزند، ثمره رنج بی‌شمار زنان زحمتکش بلوچ است که در ازا، لقمه نانی توسط صنایع دستی و همچنین واسطه‌ها و دلال‌ها خریداری می‌شود. هر یک از آفرینشهای زیبای سوزن دوزی که از هنرهای ملی ما محسوب می‌شود، گویای زندگی پردرد و رنج زنان بلوچ است.

بی‌اعتنایی رژیم به حقوق زحمتکشان، حمایت نکردن از صنایع دستی و از جمله سوزن دوزی، خرید تولیدات زحمتکشان به قیمت ارزان و باز گذاشتن دست واسطه‌ها که از قبال دسترنج محرومان (و در این زمینه زنان محروم بلوچستان) سوده‌های کلان می‌برند، از مظاهر سیاست ضد مردمی رژیم است.

زنان سوزن دوز بلوچ خواهان تامین اجتماعی و بیمه، بهره‌رشدن از بهداشت و درمان و آموزش و مسکن، ایجاد تعاونی‌های صنایع دستی و واگذاری اداره امور آنها به تولیدکنندگان، دریافت اعتبار برای رشد و توسعه تولیدات دستی، خریداری محصولات تولیدی به قیمت عادلانه، پایان دادن به فعالیت دلالان و واسطه‌ها، تسهیل شرایط کار و زندگی و حفظ و اشاعه صنعت دستی خود هستند؛ خواست‌هایی که رژیم ضد مردمی نمی‌تواند آنها را تحقق بخشد.

و عدم اجرای انقلاب اداری جستجو می‌نمود. و قانونی را که به قانون "از کجا آوردی" معروف شده تدوین و تصویب کرد.

این قانون هرگز مجال اجرا نیافت. عاقبت فرمهای مخصوصی در بین کارمندان جزء دولتی توزیع شد تا در مورد دارائی و اموال خود توضیح دهند. آنان در ستونهای مربوطه به لیست ثروت و دارائی، مواردی از بدهی‌های خود را بپانکها و رباخوران ذکر کردند و ماجرا با این پایان مسخره خاتمه یافت.

می‌بینیم که باز تاریخ تکرار می‌شود و اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی فقط دامن کارمندان دولت آنها کارمندان جزء را می‌گیرد و مبدل به برگردانی از همان لایحه "از کجا آورده‌ای" موزیک متن تعزیه گردانان رژیم برای توجیه سیاست ضد خلقی می‌گردد.

یکی از اصیل‌ترین و زیباترین رشته‌های صنایع دستی کشورمان "سوزن‌دوزی" زنان بلوچ است. زنان زحمتکش بلوچستان فقرزده و محروم در طی زندگی پر دزد و رنج خود، این صنعت ملی دیرپا و ارزشمند را بنیان نهاده‌اند.

زنان بلوچ به ابتدایی‌ترین شکل ممکن در دخمه‌ها و کپرها صبح را به شب می‌رسانند و زندگی آنان با فقر، بیکاری، نداشتن مسکن و بیماری عجین شده است. رواج بیکاری از سویی و فشار فقر و محرومیت از سوی دیگر، آنچنان زندگی رقت باری برای خلق بلوچ به همراه آورده که سبب گردیده زنان بلوچ به عنوان یک تولیدکننده روستایی، ارزشهای هنری آفریده خود را با قیمت‌های بسیار نازل بفروشند و نان بخور و نمیری برای خانواده خود تهیه کنند.

در این رابطه در روزنامه "اطلاعات" ۱۲/۵/۶۳ به زندگی چند تن از زنان سوزن دوز بلوچ اشاره شده است. یکی از آنان به نام "داد بی‌بی بلوچی" که در روستای قاسم آباد از توابع ایرانشهر زندگی می‌کند، می‌گوید: "چشمهای تاریک شده، با این همه سوزندوزی می‌کنم، گرانی پیداد می‌کند و دستمزد پرداختی از طرف سازمان صنایع دستی کافی نیست. بیشتر زنان بلوچ از درد چشم می‌نالند و بسیاری از آنان عینک می‌خواهند، اما هنوز که هنوز است هیچکس به داد ما نرسیده است."

علت بی‌توجهی سازمان صنایع دستی ایران را قبل از هر چیز باید در سیاست ضد ملی و استقلال شکنانه رژیم "ولایت فقیه" جستجو کرد. سازمان صنایع دستی نیز نظیر دیگر سازمان‌های دولتی از بودجه لازم و کافی برای رسیدگی و حمایت از هنرهای ملی و سنتی کشور بی‌بهره است. فشار فقر و محرومیت دختران بلوچ را مبهور می‌کند از سنین کودکی "سوزن دوزی" را فراگیرند، از همین رو از اوان کودکی، جز فرسودگی و بیماری‌های جسمی بویژه ناراحتی‌های چشمی نصیبی نمی‌برند. اغلب دختران روستاهای بلوچستان به

قانون "از کجا آوردی" رژیم گذشته

بقیه از ص ۲
همپالکی‌های رژیم سلطنتی ریخت و یا به حساب خود در بانکهای خارج سپرد. رژیم گذشته نیز شکست انقلاب سفید کذائی را در معضلات اداری

لودر دیگر" و "ایجاد درگیری"، از مظاهر خشم چوشان زحمتکشان نسبت به رژیم ج.ا. است. شدت درگیری به حدی بوده که شخصیت یاد شده به "مقابله غیرقانونی" (!) مردم اعتراف می‌کند. در این رویارویی تعداد زیادی دستگیر شده‌اند، بسیاری مجروح شده‌اند و شایعاتی در مورد کشته شدن وزیر آوار ماندن چند نفر وجود دارد. باید این مهارت‌ها را به بهترین وجهی سازمان داد. باید در متشکل کردن توده‌ها و هدایت آنها به مسیر درست مبارزه همت گماشت. در انجام این وظیفه انقلابی باید همه امکانات را به کار گرفت.

توده ایران و سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران دست یابد. اکنون سازمان ما محکم تر از پیش، بویژه با یاری جوانان زحمتکش کشور در راه سرنوشتی رژیم "ولایت فقیه" می‌رزد. در این مبارزه انقلابی، همچنین از میان نیروهای مترقی و دانشجویی و دانش آموزی و جوانان کشور، سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت) و چندین سازمان دمکراتیک و مترقی دیگر شرکت دارند. ما خواهان آن هستیم که تمام نیروهای دمکراتیک و مترقی به طور یکپارچه و متحد به مبارزه مشترک در راه سرنوشتی رژیم بپردازند؛ پیروزی قطعی در اتحاد و یکپارچگی ماست. ما به یقین می‌دانیم که در این مبارزه حیاتی شما نیز مددش با کارگران، دهقانان، و دیگر نیروهای دمکراتیک جامعه در مبارزه انقلابی شرکت خواهید کرد.

پیام ما و شعارهای ما را در میان دانش آموزان و دانشجویان پخش کنید. اخبار مبارزه مردم را در مراکز آموزش منعکس کنید. در تظاهرات خیابانی علیه جنگ و ارتجاع حاکم شرکت کنید. ما پیروزیم. آینده از آن ماست.

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنوشتی رژیم ا زنده باد آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح!

گسترده باد جنبش دانشجویی و دانش آموزی ا سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران شهریور ۱۳۴۴

آمدند و صد ها خانه را ویران کردند.

بقیه از ص ۷
هستی خود سالها پیش در این مناطق قطعه زمینی خریداری و حال اقدام به ساختن سریناه محقری کرده‌اند، پیاورد. گفتار نصیریان معاون امور مناطق شهرداری تهران را درباره "تجاوز عدوانی" به "زمینهای اوقافی" حضرت شاه عبدالعظیم که "شرعا دارای اشکال است" باید از این دیدگاه ارزیابی کرد.

رژیم برای اجرای عملیات تخریب خانه‌های زحمتکشان در مناطق مورد نظر، گشت ویژه‌ای "با کلیه امکانات لازم" و مرکب از "چند صد تن" کمیته‌چی و نیروهای ژاندارمری سازمان داده که پنا به گفته صالحی خوانساری "فرمانده کمیته‌های انقلاب اسلامی" "بطور شانه روزی" در حاشیه تهران و مناطقی که در آنجا "تخلیفات" صورت می‌گیرد، گشت می‌زنند و چنان فجایعی را می‌آفرینند که از آن سخن رفت. صالحی خوانساری سازمان دهی این "تخلیفات" را به "مخالفتین" نسبت داد و در این چارچوب ویرانی خانه‌های زحمتکشان را توجیه کرد. اما زحمتکشان میهن ما از هستی خود دفاع می‌کنند و هاشمی‌ها گوناگون در برابر رژیم به مقاومت می‌پردازند. اعتراف معاون امور مناطق شهرداری تهران به "مضروب شدن" مامورین "با چوب و سنگ" صاحبان خانه‌های تخریب شده، "به آتش کشیده شدن یک لودر نو"، "معیوب کردن چند

خامنه‌ای و برخی از دیدگاه‌های

بقیه از ص ۱
جامع نیست و همه نظرات او را دربر نمی‌گیرد -
برخی از دیدگاه‌هایش را مورد ارزیابی قرار
می‌دهیم:

دیدگاه های اقتصادی

در زمینه مسائل اقتصادی بویژه تکیه خامنه‌ای روی سرمایه‌های بخش خصوصی است و ادعا می‌کند که در غیر اینصورت "مسئله قابل حل نخواهد بود". او به هیچ وجه نامی از بخشهای دولتی و تعاونی نمی‌برد و در واقع منکر آن می‌شود که فعالیت بخش خصوصی باید مکمل دو بخش اصلی اقتصادی کشور باشد.

وی در مورد میزان مجاز سود بخش خصوصی می‌گوید:

"مثلاً فرض کنید یک نفر در معامله مجاز است ۵۰۰ تومان ببرد، و یا بیشتر و کمتر ببرد. کدام مجاز است؟ یک حد اینطوری نمی‌شود تعیین کرد".

التهت بحث پرسر ۵۰۰ تومان "و کمتر و بیشتر" نیست، بلکه بحث پرسر ارقام نجومی صدها میلیونی است که به عنوان سود به جیب سرمایه‌داران فرو می‌رود. در اجرای همین سیاست است که خامنه‌ای بسیاری از واقعیت‌های تلخ و نزدیکی را که هم اکنون در کشور ما جریان دارد، لاپوشانی می‌کند.

برای نشان دادن گوشه‌ای از این واقعیت‌ها به سخنان گزارشگر "اطلاعات" در گفتگو با رئیس جمهور استفاده می‌کنیم:

یک سرمایه‌دار "به اعتبار سرمایه و پولش بدون آن که یک کار تولیدی در این کشور کرده باشد ... این فرد توانسته است درآمدهای نامناسب و نامعقولی را جذب کند".

"با آن که درآمد بخش خدماتی چند برابر بخش دولتی است، در همین سال ۶۲ و ۶۱ از بخش دولتی و کارکنان حقوق بگیر سه برابر بخش خصوصی (خدماتی) مالیات گرفته شده، یعنی بخش خدماتی (خصوصی) یک سوم بخش کارمندی (دولتی) مالیات پرداخت کرده است. یا مثلاً اعلام می‌شود که سرمایه‌داری از سرقتی فقط ۱۲۰ مغازه در حدود ۲۰۰ میلیون تومان به جیب زده است و یا فلان پلاستیک فروش توانسته است حدود ۸۵ میلیون تومان با گرانفروشی به دست بیاورد".

به قول یکی از معاونان وزارت دارائی "۲۰ هزار نفر را به اسم می‌شناسیم که اینها متجاوز از یک میلیارد مالیاتشان می‌شود، ولی جمعاً ۱۱ میلیون تومان مالیات بیشتر پرداخت نکرده‌اند...".

خامنه‌ای در مقابل این واقعیت‌ها که به گفته نویسنده "اطلاعات" "مسئولین اعلام کرده‌اند، روزنامه خودش ننوشته، همه روزنامه‌ها هم نوشته‌اند" چه پاسخی دارد؟ وی ادعا می‌کند که

این خبرها غالباً خبرهای غیرواقعی است. ما مواردی را تحقیق کردیم و اینها از آن نوع حرفه‌ای است که سندیت ندارد".

برای مقابله با "چورفاه طلبی، مصرف گرایی، اعاده پاره‌ای از ضدازشهای ناشی از فرهنگ غربزدگی و طاغوتی گذشته و زنده کردن اشرافیت جاهلی" که توسط "گروه‌هایی از طبقات مرفه" دامن زده می‌شود و "جامعه را به بی‌بندوباری و شهرت طلبی و فساد می‌کشاند"، خامنه‌ای ادعا دارد که این مسئله "ناشی از غفلت" و "ضعف آگاهی و استضعاف فکری و فرهنگ "توده‌ها است" و "علاج فرهنگی" را پیشنهاد می‌کند. وقتی که پای "علاج اقتصادی" به میان کشیده می‌شود، وی نمی‌تواند از بیان این مسئله خودداری کند که "اسلام فعالیت اقتصادی را آزاد می‌داند".

لب کلام خامنه‌ای این است که دولت باید بر بخش خصوصی (یعنی عامل اصلی فساد) "نظارت" داشته باشد و نه آن که در امور آن "دخالت" کند. وی مبنای این نظارت را موضع‌گیری مشخص خمینی در دفاع از کلان سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ می‌داند و بر همین اساس صراحتاً اعلام می‌کند: "مبنا و ملاک" این است که "دولت دخالت نکند و آزادیها را نگه بدارد". و آزادیهای مورد نظر او همان آزادی بی‌بندوبار غارت و چپاول زحمتکشانش است. وی تأکید دارد ما برای این که بتوانیم جلوی فساد ناشی از اشرافی‌گری را بگیریم نباید "فعالیت های اقتصادی را در اختیار دولت قرار دهیم".

جنگ

نظریات ضد مردمی خامنه‌ای را در پاره پاره جنگ بارها و بارها شنیده‌ایم و خوانده‌ایم. تازه‌ترین نظر او این است که "جنگ در این جا با علاقمندی مردان و با شرکت زنان، مادران، پیرمردما و کودکان، در مراتب و مراحل مختلفش در حال اداره شدن است. پس جنگ برای ما به معنای یکپارچگی ملت است. جنگ به معنای ثبات و رسوخ نظام اسلامی در سرزمین این کشور است". در واقع وی نگرانی خود را از پایان جنگ اعلام می‌دارد و می‌داند که در اینصورت "ثبات" رژیم به هم خواهد خورد. به همین دلیل است که به دروغ از "علاقمندی" توده مردم نسبت به جنگ داد سخن می‌دهد. همچنین به این وسیله خامنه‌ای تظاهرات ضد جنگ را که وقت و بی‌وقت در گوشه و کنار کشور به وقوع می‌پیوندد، منکر می‌شود.

نظام اداری

ظواهر آکسی که مسئولیت هماهنگ کننده قوای سه گانه را می‌پذیرد بایستی در زمینه سیستم اداری و مدیریت صاحب نظر باشد و بنا به معیار شورای نگهبان "مدیر و مدبر" باشد تا بتواند از عهده وظائف خود برآید. خامنه‌ای رسماً اعلام می‌کند که "بنده نه در زمینه سیستم اداری

و مدیریت و سازمان دهی متخصص هستم و نه در دنیا زیاد گشتم‌ام که چنین چیزهایی را دیده باشم".

به این ترتیب مقام ریاست جمهوری به کسی تفویض می‌شود که خود به ناتوانی خود در اداره امور اعتراف می‌کند. چگونگی تشخیص "مدیر" و "مدبر" بودن خامنه‌ای از سوی شورای نگهبان نیز، توضیح واضحات است.

آزادی مطبوعات و نشر آثار

در مورد آزادی مطبوعات، نظر خامنه‌ای با نظر شاه معدوم تفاوت ماهوی ندارد. شاه آزادی را در چارچوب "رستاخیز" می‌پذیرفت و خامنه‌ای در چارچوب دفاع از نظام ضد خلقی موجود:

"من اعتقاد این است که در چارچوب حفظ مصالح نظام و عدم توهین و تضعیف مسئولان ج.ا. به قدری که نتوانند کارشان را انجام دهند و عدم غرض ورزی در نقل، تحلیل و گزارش، میدان را برای روزنامه و روزنامه نگاری باید باز کرد".

وی مخالفان رژیم را "غوغاگر" می‌نامد و می‌گوید:

"آیا این روستا و عادلانه است که ما توی محیطی که مردم احتیاج دارند فکر کنند و مطالعه کنند، مسائل را بفهمند، امکان بدهیم به کسانی که جز غوغاگری هیچ وسیله‌ای برای خودشان نمی‌شناسند و گویا هیچ رسالتی را برای خودشان جز غوغاگری نمی‌شناسند، که اینها بیایند و هیاهو کنند و مردم را از فکر کردن باز بدارند؟"

"روزنامه به عنوان نمایش دموکراسی برای ما لزومی ندارد. به علاوه ۴ روزنامه بزرگ برای ما کم نیست و البته زیاد هم نیست و لزومی ندارد که در مملکت بیش از ۴ روزنامه بزرگ داشته باشیم".

وی حتی در مورد نشر آثاری که در جو اختناق امروزی زمینه انتشار دارند می‌گوید که "مسئبت بزرگ هاردیگر رخ نموده است و می‌بینیم که افراد و جناحها و جریانهای متعددی اعم از مخالف نظام و انقلاب و یا به اصطلاح بی‌خط و بی‌تفاوت و بی‌مسئولیت، از گرفتاریهای مسئولین و مردم و چهره‌های واقعی انقلاب و از آزادی بی‌سابقه‌ای (۱) که هست سوء استفاده کرده، در قالب کار جمعی و نشر و انتشارات، می‌نویسند و ترجمه می‌کنند در زمینه تاریخ بطور گسترده کار می‌کنند و فرهنگ ضد انقلابی و ضد اسلامی‌ها به مراحل در خط و جهتی مغایر با آنرا آرام آرام ریشه می‌دهند و ای بسا بعضی از جوانان را هم که تجربه و اطلاع کافی و عمیقی از تاریخ کشورشان ندارند بتوانند تحت تأثیر قرار دهند. این خسارت بزرگی برای انقلاب است".

به این ترتیب خامنه‌ای در آغاز دوره دوم ریاست جمهوری خود همان سازی را می‌زند که قبلاً می‌زد، باید چهره او را بیش از پیش برای زحمتکشان کشور افشا کرد.

جنگ عامل تشدیدکننده بحران اقتصادی، وابستگی، استثمار کارگران و دهقانان،

بیکاری روزافزون، گرانی، آوارگی و بی‌خانمانی است!

آمدند و صدها خانه را ویران کردند و رفتند

معاونت امور مناطق شهرداری:

"از مدتی قبل یک عده افراد غیر بومی به زمینهای کشاورزی و اوقافی مربوط به حضرت شاه عبدالعظیم (در واقع مربوط به روحانیون موقوفه خوار) تجاوز کرده و بدون هیچگونه مجوزی اقدام به احداث پنانمودند و با توجه به این که این اشخاص فاقد سند ویا جواز ساختمان بوده و حتی به زمینهای اوقافی که شرعا دارای اشکال است تجاوز عدوانی کردند..."

درپاره زمینهای "کشاورزی" و "اوقافی" در همین مقاله توضیحات مختصری داده خواهد شد. فعلا می خواهیم نظر زحمتکشان خانه خراب را درپاره داشتن "جواز ساختمانی" و "تجاوز عدوانی" بدانیم. آیا آنها به زور این زمینها را تصرف کرده اند؟

زهرافدائی:
"با فروش کلیه لوازم منزل و دارایی خود در اینجا زمین را متری ۸ هزار ریال خریده و خانه ای ساخته ایم که ان را تبدیل به تلی از خاک کرده اند."

یکی دیگر از ساکنان خانه های تخریب شده:
"با توجه به این که مجوز ایجاد مسکن داشتم، اما مأموران تخریب شهرداری و مأموران انتظامی به این مسئله توجهی نکردند و در نتیجه خانه مرا نیز خراب کردند."

زنی به نام تاج چنگیز فرنیبا که همسرش پوسپله "مأموران انتظامی" به چرم دفاع از سرپناه خود دستگیر شده است:

"سه سال قبل خانه خود را ساخته ایم، اما شهرداری آن را خراب کرد."

شخصی به نام علی محمدی، کارگر و دارای هفت سرعائله:

"پس از مدتها تلاش یک قطعه زمین خریداری کرده و با تحمل مصائب گوناگون آن را تبدیل به ساختمان و سرپناهی برای خانواده خود کردم که اینک شهرداری آن را تبدیل به تلی از خاک کرده است."

معاون امور شهرداری مناطق شهرداری تهران:
"با توجه به این که چندین بار اخطار از سوی مأموران شهرداری انجام گرفت معهدا آنها (ساکنان خانه های خراب شده) بدون توجه به تذکرات شهرداری اقدام به احداث ساختمان در این زمینها نمودند."

زهرافدائی در این باره می گوید:

"مأموران شهرداری زمانی که خانه خود را می ساختیم بطور مرتب هر روز به این منطقه سرکشی می کردند..."

(همه گفته های داخل گیومه عینا از "کیهان" ۲۰ تیر نقل شده است).

سال پیش خمینی معاملات زمینهای "موقوفه" را که در دوران پیش از انقلاب فروخته شده بودند "باطل" اعلام کرد و دستور داد که "موقوفات باید به وقف برگردد" ("اطلاعات" ۲۴ دی ۶۳). در اجرای این فرمان "قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و

اراضی موقوفه" - که شامل تقریباً بیست و نه میلیون از مناطق مسکونی تهران هم می شود - در مجلس تصویب و اجرای آن به عهده سازمان اوقاف گذاشته شد.

دیگر بار غرش سهمگین بولدوزرها، لودرها و کمپرسی ها که سکوت سنگین شهبانه رادرم می شکند. آنها نه برای هوار کردن یک چاده، ساختمان یک بیمارستان یا مدرسه... آنها برای تخریب صدها خانه مسکونی می آیند. می شنوید؟ این طنین گامهای هراس انگیز چکمه پوشان است. می بینید؟ این سقفا و دیوارهای کلی و آجری است که هر سر خفتگان خسته فرود می ریزد. ضجه حزن انگیز پیر زنان و پیر مردان و کودکان حیرت زده خواب آلود فضای آکنده از دود را پر کرده است. چرا خانه ما را خراب می کنند؟ حالا چه کار باید بکنیم؟ به کجا و چه کسی پناه بگیریم؟ سئوالهایی که بی پاسخ می ماند.

دیگر بار نعره مردان و فریاد خشمگین زنان که رود روی نیروهای ضد مردمی سینه سپری کنند، صدای خشک و مقطع کلنگها و تیرهای هوایی که زاغه ها و کوره پزخانه های متروک را در می نوردد و در همه شهر و در همه کشور طنین اندازی شود.

- چه خهر شده؟

- رژیم برای سرکوب مخالفان خود به زاغه نشینها یورش آورده است.

- کمیته چی ها و ژاندارما آمده اند تا "عدالت اسلامی" را اجرا کنند.

- مأموران شهرداری آمده اند تا به فرمان رژیم کلیه های محقر مشتی کارگر پایتی، دستفروش، زنهای بی سرپرست، راننده شدگان از روستاها و واماندگان از شهرها را بر سرشان خراب کنند.

- حاکمان "شرع" چنین حکم کرده اند. آری پدینسان دیگر بار حادثه خونین افسریه و شیران نود سال ۵۶ تکرار می شود. آن روز ارتش شاه خانه زحمتکشان را بر سرشان خراب کرد و تکرار می کنند. یک نیمه شب به قلعه حسن خان شهبخون می زنند، یک نیمه شب به منطقه شماره ۲ کرچ، نیمه شبی دیگر به اراضی پونک در غرب تهران و اینک به فیروزآباد شهری:

"بیش از ۲۰۰ واحد مسکونی غیرمجاز روپروی کوره های فرسوده آجری فیروزآباد شهر ری پوسپله مأموران شهرداری مناطق ۲۰، ۱۲، ۶ تهران و با حضور مأموران انتظامی تخریب شد... عملیات تخریب که از ساعت حدود ۱۴ دوشنبه شب گذشته تا ساعت ۵ پامداد سه شنبه صورت گرفت، در چندمورد منجر به درگیری شد که در این ماجرا چندین نفر مجروح شدند."

"مأموران تخریب پوسپله چندین دستگاه لودر، بولدوزر و کمپرسی پس از اتمام عملیات تخریب خانه های مسکونی کلیه آجرها، خاک و دیگر مصالح ساختمانی را که در میان آنها تعدادی

وسایل و لوازم خانوادگی نیز به چشم می خورد جمع آوری کرده و در حالی که مأموران انتظامی در منطقه مستقر بودند به نقطه نامعلومی انتقال دادند" ("کیهان" ۲۰ تیر).

نصیریان، معاون امور مناطق شهرداری اعتراف می کند:

"طی جلسه ای با حضور شهردار منطقه، فرماندار و مسئول کمیته انقلاب اسلامی و مسئول ژاندارمری منطقه تصمیم به تخریب این بناها گردید و شهرداری تهران با استمداد از مأمورین انتظامی با اطلاع قبلی اقدام به تخریب این واحدها نمودند."

شهناز شهنازی، یک شاهد عینی:

"با چشمان خود دیدم که مأموران تخریب بدون توجه به این که اهالی منطقه در منزل هستند یک دستگاه واحد مسکونی را خراب کردند."

این عمل برای جلب رضایت کسانی انجام شد که بنابگفته اعتمادیان معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان اوقاف "در طول سالیان دراز شاهد فروش موقوفات بودند" و "خواستار تعیین وضعیت زمینهای خود شدند" (همانجا). مدعیان این زمینها عمدتاً روحانیون موقوفه خوار بودند که با سوء استفاده از موقعیت خود، قانون بازگشت موقوفات فروخته شده به وقف را، پیوسته بر صدها هزار نفر از زحمتکشان که صاحب سرپناهی با سند رسمی ثبت اسناد بودند، تحمیل کردند. پدین ترتیب کسانی که تا پیش از تصویب قانون یاد شده مالک خانه های مسکونی خود بودند، به اجاره داران اداره اوقاف تبدیل شدند. برای نشان دادن ابعاد زمینهایی که درآمد آن به کیسه کشاد موقوفه خواران می رود، به این گفته "وکیل متولی موقوفه چهارده معصوم شعبه ۱۵ خرداد اوقاف" در "اطلاعات" ۱۴ مرداد ۶۳ توجه کنید. وی کلیه زمینهای نواحی نازی آباد، خزانه، شهرکهای بعثت، شریعتی و تختی، میدان مولوی تا حضرت عبدالعظیم و میادین شوش و اعدام، همچنین نواحی بازار، پانزده خرداد، پاپ همایون و ناصر خسرو، مناطق مالک آباد، علی آباد و املاک "فلکه توران سلیمانی" ... را "چیز موقوفات چهارده معصوم" و "در ملکیت اوقاف" اعلام کرد. در مناطق یاد شده که رژیم آنها را "زمینهای کشاورزی"، "مزروعی" و "اوقافی" می نامد، صدها هزار خانه مسکونی و دهها هزار قطعه زمین خریداری شده توسط زحمتکشان وجود دارد که اکنون اسناد آنها "باطل" شده است. اعتمادیان با تکیه بر حرف خمینی که "مردم ما مسلمان و تابع دستورات خدا هستند و... خودشان در پازیس دادن اموال موقوفه پیشقدم خواهند شد" رسماً "ابطال" اسناد مالکیتی را که "به صورت غیر شرعی به نام افراد صادر شده است" از طریق روزنامه ها ابطال کرد و از "متصرفین" خواست که بیایند و "اجاره نامه" تنظیم کنند.

در این چارچوب، رژیم به خود اجازه می دهد تا به بهانه های واهی گوناگون هر پهلایی که می خواهد پیوسته بر سر کسانی که با فروش همه بقیه در ص

در این چارچوب، رژیم به خود اجازه می دهد تا به بهانه های واهی گوناگون هر پهلایی که می خواهد پیوسته بر سر کسانی که با فروش همه بقیه در ص

به مامی نویسنند

ملاقات هیئت ۱۲ نفره ایرانی با مقامات آمریکایی

در جریان بازدید ریگان از آلمان فدرال، یک هیئت ۱۲ نفره ایرانی برای ملاقات با مقامات آمریکایی به آلمان اعزام شدند. در میان افراد اعزامی می‌توان از ولی شهپوری دلال سابق لوازم یدکی و از مشاوران نخست وزیر در امر نظارت بر تجارت خارجی، همچنین سرهنگ هوانیروز جلال پورگاکه که در زمره سلطنت طلبان است، نام برد.

کمبود بودجه و پروژه‌های ناتمام

به علت کمبود بودجه سال ۶۴ بسیاری از پروژه‌هایی که به پیمانکاران سپرده شده است نیمه کاره متوقف مانده است. بنا به گفته یکی از مهندسان، بیش از نیمی از ۱۶ شرکت مهندسی مشاور که در قسمت آب و آبیاری و کلاً کشاورزی کار می‌کنند، تا پایان سال جاری تعطیل خواهند شد. گفته می‌شود که استعفای وزیر راه و ترابری و رئیس سازمان برنامه و بودجه با توقف پروژه‌ها در ارتباط است.

تصرف زمین‌های تعاونی‌های مسکن توسط پاسداران

بخشی از زمین‌های شهرک غرب که در مقابل دریافت پول در اختیار تعاونی مسکن کارگری و کارمندی گذاشته شده بود، بطور غیر قانونی توسط پاسداران تصرف شد. در این زمین‌ها پاسداران شروع به ساختمان کردند، اما اقدام به موقع تعاونی‌ها سبب شد که تصرف کنندگان زمین، کار ساختمان را متوقف کنند. تعاونی‌های مسکن که پول زمین‌های خریداری شده را به دولت پرداخته‌اند درصدد آغاز کار ساختمان هستند، اما شهرداری از دادن جواز ساختمان خودداری می‌کند.

از افغانی‌ها خون گرفته شد

در شوشتر، سپاه با توسل به زور تعدادی از افغانی‌های آواره را با کامیون‌های متعدد به بیمارستان برد و برای تامین ذخیره لازم از آنها خون گرفت. این اقدام سپاه موجب تعرض شدید افغانی‌ها شد.

مال بد، بیخ ریش صاحبش

کارخانه پلیکان، تولیدکننده جوهر و کاربن، که پس از انقلاب مصادره شده و در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفته بود، به بخش خصوصی واگذار شده است. این کارخانه در دوران اولیه انقلاب به علت ضعف مدیریت و کمبود مواد اولیه زیان داد و همین بهانه‌ای شد تا آن را به "صاحبان اصلی" واگذار کنند.

"دمکراسی" از نوع آمریکایی آن

تراژدی جمهوری آفریقای جنوبی بر کسی پوشیده نیست. ۷۰۴ میلیون سفیدپوست بر ۲۵ میلیون تن ساکنین اصلی کشور حکمرانی می‌کنند، در حالی که مردم جمهوری دیگر نمی‌خواهند زیر سلطه رژیم فاشیستی و نژادپرست مورد حمایت "جهان آزاد" زندگی کنند.

رژیم در سراسر کشور حکومت نظامی اعلام کرده است. هر روز دهها نفر کشته و صدها نفر روانه سیاهچالها می‌شوند. ولی مبارزه ادامه دارد.

در برابر این واقعیت، عکس العمل جهان غرب که این همه سنگ "دمکراسی" و "آزادی" را به سینه می‌کوبد، چگونه است؟ وقتی شورای امنیت سازمان ملل متحد مسئله پایان دادن به حکومت نظامی، آزادی فوری زندانیان سیاسی و برسمیت شناختن حقوق دمکراتیک سیاهپوستان در آفریقای جنوبی را مطرح ساخت و طی قطعنامه‌ای خواستار شد که در صورت عدم اجراء این خواست‌ها، مجازات‌های اقتصادی درباره آن کشور عملی گردد، دولت‌های ریگان و تاچر بلافاصله از حق وتو برای نجات "دمکراسی" در آفریقای جنوبی استفاده کردند.

"دمکراسی" در قاموس ریگان‌ها و تاچرها در سیمای انحصارهای چندملیتی تظاهر می‌کند که میلیاردها سود از سرمایه‌گذاری در معادن الماس و اورانیوم و غیره و نیز استثمار وحشیانه کارگران سیاهپوست بدست می‌آورند. طبق آمار رسمی، فقط سرمایه‌ایلات متحده آمریکا در این کشور به ۲ میلیارد دلار بالغ می‌شود. انگلستان، آلمان غربی، فرانسه و غیره نیز تقریباً در همین حدود در صنایع و معادن جمهوری آفریقای جنوبی سرمایه‌گذاری کرده‌اند. نباید اهمیت استراتژیک جمهوری آفریقای جنوبی را نیز برای امپریالیسم جهان‌خوار از نظر دورداشت.

خوانندگان "نامه مردم" به خاطر دارند که در ژوئن ۱۹۸۲، ریگان رئیس جمهور آمریکا به هنگام سخنرانی در پارلمان انگلستان، "یورش صلیبی در راه آزادی و علیه کمونیسم" را اعلام کرد. وقتی وی بدون هیچ مقدمه‌ای گفت که "اتحادشوری در حالت جنگ با آمریکا است" شنوندگان خود را دچار حیرت ساخت.

در سال ۱۹۸۲ برپایه این کاریاب (پلاتفرم) عمیقاً ارتجاعی "اتحادبین‌المللی دمکراتیک" مرکب از احزاب محافظه‌کار و ارتجاعی جهان سرمایه‌داری بوجود آمد. چندی پیش سران این احزاب در واشنگتن گردهم آمدند. نمایندگان باندهای آدمکش نیکاراگوایی از جمله میهمانان این گردهم‌آیی به اصطلاح "دمکراتها" بودند. "دمکرات‌های جهان آزاد" در قطعنامه ویژه‌ای هبستگی خود را با "مبارزان راه آزادی" افغانستان، یعنی مزدوران "سیا" که با شقاوت بی‌سابقه به کشتار کودکان و زنان و حتی روحانیون افغانستان مشغولند، اعلام داشتند. آنها به اصطلاح "آزادی‌گرنادا" را به دست سربازان تا دندان مسلح آمریکا "پیروزی بزرگ جهان آزاد" اعلام کردند.

یکی دیگر از نمونه‌های برجسته تظاهر "دمکراسی" در این گردهم‌آیی، اظهار هبستگی شرکت کنندگان آن با رژیم نژادپرست و فاشیستی آفریقای جنوبی بود. احزاب ارتجاعی غرب مسئله ارقام نجومی وام کشورهای "جهان سوم" را نیز در اجلاس خود مطرح ساختند. شیوه "دمکراتیک" ارائه شده از جانب آنها ساده بود؛ و اما باید سر موعد مقرر پرداخت کردند و کشورهای وام‌گیرنده باید نظم ضرور را در اقتصاد خود به وجود آورند. از چه طریقی؟ از راه گسترش هرچه بیشتر بخش خصوصی و گشودن دروازه‌های کشور به روی انحصارهای امپریالیستی.

کوتاه سخن "دمکرات‌های" "جهان آزاد" نمونه‌های زیادی از استقرار "دمکراسی" از نوع آمریکایی آن برای ارائه داشتند - شیلی، هندوراس، هائیتی، پاکستان، ترکیه، پاراگوئه و....



امپریالیسم در گفتار و کردار

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

کمک‌های مالی رسیده:

رفقای کمیونیست از شهر شتادلن آلمان فدرال
۲۱۵ مارک

NAMEH
MARDOM
No: 67

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

12 September 1985